

فلسفہ قیام امام حسین  
علیہ السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَعَلَىٰ آلِ أَبِي طَالِبٍ

وَعَلَىٰ آلِ الْحُسَيْنِ

وَعَلَىٰ آلِ الْحَسَنِ





## فلسفه قیام امام حسین (علیه السلام)

بهترین و مطمئن‌ترین سند برای شناخت فلسفه و اهداف نهضت سیدالشهدا (علیه السلام)، کلمات خود آن حضرت یا امامان دیگر در این باره است. بررسی و مطالعه خطبه‌ها، سخنان، نامه‌ها و وصیت‌نامه امام حسین (علیه السلام)، راه روشنی است برای بررسی اهداف قیام عاشورا می‌باشد. از آنچه درباره اهداف و فلسفه قیام عاشورا از نگاه‌های مختلف گفته شده و نقد و بررسی شده است، روشن است که برخی از این نظریات، تصویری وارونه یا حداقل نامناسب با شأن رهبر قیام ارائه کرده‌اند و هیچ کدام از آنها، در ارائه یک تصویر روشن و جامع از انگیزه‌های قیام امام حسین (علیه السلام) توفیق نداشته‌اند.

پژوهشگر تاریخ عاشورا اگر بخواهد به ماهیت و جوهره قیام عاشورا پی ببرد، باید در گام نخست، با نگاه جامع و مطالعه کامل درباره امام حسین (علیه السلام)، از زندگی، شخصیت و مقام ایشان در جایگاه امام معصوم، شناخت لازم و کافی پیدا کند و سپس با مطالعه و تعمق در بیانات و گفتارهایی که آن حضرت در مقاطع مختلف قیام و حتی پیش از آغاز آن، درباره انگیزه حرکت خویش بیان کرده است، فلسفه و ماهیت قیام آن حضرت را بشناسد.

## خطبه امام در مکه

امام حسین (علیه السلام) در جمع گروهی از علما و نجبگان مناطق مختلف اسلامی در مکه با ایراد خطبه‌ای شورانگیز و کوبنده، ضمن یادآوری وظیفه سنگین و تکلیف خطیر علما و بزرگان شهرها برای پاسداری از کیان دین و اعتقادات مسلمانان و پیامدهای سکوت در برابر جنایات امویان، از خاموشی آنان در برابر سیاستهای دین‌ستیزانه حاکمان اموی انتقاد کرده و هرگونه همراهی و سازش با آنان را گناه نابخشودنی دانست. حضرت در پایان سخنان خود، هدف از اقدامات و فعالیت‌هایش را بر ضد نظام ستمگر حاکم، که چند سال بعد خود را در قالب یک نهضت نشان داد، چنین اعلام کرد:

... اللهم انک تعلم انه لم یکن ما کان منا تنافسا فی سلطان، ولا التماسا من فضول الحطام، ولکن لئری (لنرد) المعالم من دینک، و تظهر الاصلاح فی بلادک، ویامن المظلومون من عبادک، ویعمل بفرائضک و سننک واحکامک...؛

«خدایا تو می‌دانی آنچه ما انجام داده‌ایم (از قبیل سخنان و اقدامات بر ضد حاکمان اموی)، به دلیل رقابت و سبقت‌جویی در فرمانروایی و افزون‌خواهی در متاع ناچیز دنیا نبوده است؛ بلکه برای این بوده که نشانه‌های دینت را (به مردم) نشان دهیم (بر پا گردانیم) و اصلاح در سرزمین‌هایت را آشکار کنیم.»





## ادامه خطبه امام در مکه

می‌خواهیم بندگان ستمدیده‌ات در امان باشند و به واجبات و سنت‌ها و احکامات عمل شود. با دقت در این جملات می‌توان به چهار هدف اصلی امام حسین (علیه‌السلام) از اقدامات و فعالیت‌هایی که در عصر حاکمیت یزید برای قیام انجام داد، پی برد: الف) احیای مظاهر و نشانه‌های اسلام اصیل و ناب محمدی؛ ب) اصلاح و بهبود وضع مردم سرزمین‌های اسلامی؛ ج) تامین امنیت مردم ستم‌دیده؛ د) فراهم کردن بستری مناسب برای عمل به احکام و واجبات الهی.

## وصیت امام به محمد حنفیه

امام حسین (علیه‌السلام) در وصیت‌نامه‌ای که هنگام خروج از مدینه و در زمان وداع با برادرش محمد بن حنفیه برای وی نوشت، هدف از حرکت خویش را چنین بازگو کرد: انی لم اخرج اشرا ولا بطرا ولا مفسدا ولا ظالما، وانما خرجت لطلب الاصلاح فی امة جدی محمد ارید ان امر بالمعروف وانهی عن المنکر و اسیر بسیره جدی محمد و ابی علی بن ابی طالب...؛ (البته در نقل ابن شهر آشوب، امام این جملات را در پاسخ ابن عباس می‌فرماید، نه در جواب ابن حنفیه، آن هم پاسخ شفاهی، نه در قالب

وصیت‌نامه.) «من نه از روی سرمستی و گستاخی و نه برای فساد و ستمگری حرکت کردم؛ بلکه تنها برای طلب اصلاح در امت جدم حرکت کردم. می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم و به سیره جدم و پدرم علی بن ابی طالب (علیه‌السلام) عمل کنم». و در جای دیگر می‌فرمایند: اللهم انی احب المعروف و اکره المنکر؛ «خدایا من به معروف اشتیاق، و از منکر تنفر دارم».

در زیارت‌های مختلف که درباره امام حسین (علیه‌السلام) از امامان وارد شده، این تعبیر فراوان دیده می‌شود. اشهد انک قد اقمت الصلوة و آتیت الزکوة و امرت بالمعروف و نهیت عن المنکر؛ «گواهی می‌دهم که تو نماز را به پا داشتی و زکات دادی و امر به معروف و نهی از منکر کردی».

(ناگفته نماند «شهادت دادن» در اینجا به مفهوم متعارف آن، یعنی گواهی کردن و تایید یک موضوع مادی و حقوقی نیست؛ بلکه بیان یک حقیقت معنوی و اعتراف به یک واقعیت است، که با انگیزه معنوی صورت گرفته است، یعنی من این واقعیت را درک می‌کنم که نهضت تو به انگیزه امر به معروف و نهی از منکر بوده است، نه به علت دعوت کوفیان یا علل دیگر. بنابراین اگر تلاش‌ها و کارهای دیگری صورت گرفته است، همه برای رسیدن به آن هدف و آرمان بزرگ بوده است.)



### ادامه وصیت امام به محمد حنفیه

از این عبارات، می‌توان اهداف ذیل را برای قیام حضرت برشمرد:

(الف) طلب اصلاح در امور امت پیامبر؛

(ب) امر به معروف؛

(ج) نهی از منکر؛

(د) عمل به سیره رسول خدا (صلی الله علیه وآله) و امیر مؤمنان (علیه السلام)، همانند برپایی نماز و پرداخت زکات.

### نامه به بزرگان کوفه

حضرت در نامه‌ای که هنگام اقامت خویش در مکه برای پاسخ به دعوت نامه‌های اشراف و بزرگان کوفه برای آمدن به کوفه نوشت، فلسفه قیام خود را چنین بیان فرمود: فلعمری ما الامام الا العامل بالكتاب، والآخر بالقسط، والدائن بالحق، والحابس نفسه على ذات الله. والسلام؛ (به جانم سوگند، پیشوا کسی است که به کتاب خدا عمل کند، عدل و داد را محقق سازد، معتقد به حق باشد، و خود را به آنچه در راه خدا هست، پایدار بدارد).

امام در این نامه، هدف از قیام را، تلاش برای برپایی حکومتی می‌داند که رهبر و پیشوای آن، صفات و امتیازات ذیل را دارا باشد:

(الف) بر اساس کتاب خدا حکم کند؛

(ب) عدالت را در جامعه حاکم کند؛

(ج) متدین و معتقد به دین خدا باشد؛

(د) خود را وقف خدا و اهداف الهی کند.

### نامه به بزرگان بصره

امام حسین (علیه السلام) در نامه‌ای که برای دعوت از بزرگان بصره برای همیاری و همراهی با خود نوشته، علت و هدف نهضت خویش را چنین بیان می‌کند:

انا ادعوکم الی کتاب الله وسنة نبیه فان السنة قد امیتت وان البدعة قد احییت؛

«من شما را به کتاب خدا و سنت پیامبرش می‌خوانم. همانا سنت پیامبر از بین رفته و بدعت زنده شده است».

ایشان همچنین در نامه‌ای که به شیعیان بصره نوشت، فرمود: فانی ادعوکم الی احیاء معالم الحق و اماتة البدع؛

«من شما را به زنده کردن نشانه‌های حق و نابود کردن بدعتها می‌خوانم».

از مجموع نامه‌ها و پاسخ‌های حضرت، این اهداف را می‌توان برای نهضت عاشورا استفاده کرد:

(الف) دعوت (و عمل) به کتاب خدا و سنت پیامبر؛

(ب) احیای سنت پیامبر که از بین رفته است، و برپایی مظاهر حق و حقیقت؛

(ج) از بین بردن بدعت‌هایی که جایگزین احکام خدا و سنت پیامبر شده بود.





## خطبه امام در منزل بیضه

اباعبدالله در خطبه‌ای که پس از برخورد با حر بن یزید ریاحی در منزل بیضه ایراد فرمود، انگیزه قیام خود را با استناد به فرمایش پیامبر (صلی الله علیه وآله)، چنین بیان کرد:

ایها الناس: ان رسول الله قال: من رای سلطانا جائرا مستحلا لحرم الله، ناکثا لعهد الله، مخالفا لسنة رسول الله، یعمل فی عباد الله بالاثم والعدوان، فلم یغیر علیه یفعل ولا قول، کان حقا علی الله ان یدخله مدخله، الا وان هؤلاء قد لزموا طاعة الشیطان، وترکوا طاعة الرحمن، واطهروا الفساد، وعطلوا الحدود، واستاثروا بالفیء، واحلوا حرام الله، وحرموا حلاله، وانا احق من غیر؛ (بلاذری این خطبه را از عبارت ان هؤلاء... به بعد نقل کرده است.

ابن اعثم، خوارزمی و مجلسی، این خطبه را با اندکی تفاوت در عبارات، در قالب نامه‌ای که حضرت، خطاب به اشراف و بزرگان کوفه نوشته، آورده‌اند؛ اما ابن جوزی این نقل را در قالب گفت و گوی حضرت با فرزدق آورده (است)

«ای مردم، رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمودند: کسی که فرمانروای ستمگری را ببیند که حرام خدا را حلال کرده و پیمان الهی را شکسته و با سنت رسول خدا مخالفت ورزیده و در میان بندگان خدا با گناه و تجاوزگری رفتار می‌کند، ولی در برابر او با کردار و گفتار خود برنخیزد، بر خداست که او را در جایگاه

(پر عذاب) آن ستمگر قرار دهد. هان (ای مردم) بدانید که اینها تن به فرمانبری از شیطان داده و اطاعت از فرمان الهی را رها کرده و فساد را نمایان ساخته و حدود خدا را تعطیل نموده‌اند؛ درآمدهای عمومی (بیت‌المال) مسلمانان را به خود اختصاص داده‌اند و حرام خدا را حلال، و حلالش را حرام کرده‌اند و من شایسته‌ترین فرد برای تغییر دادن (سرنوشت و امور مسلمانان) هستم».

از این خطبه، می‌توان علت قیام سیدالشهدا (علیه السلام) را این امر دانست که حاکمان بنی امیه (به ویژه یزید) اقدامات ضد دینی زیر را انجام داده بوده‌اند:

الف) اطاعت از شیطان و ترک فرمانبری از خدا؛

ب) آشکار کردن فساد در زمین؛

ج) تعطیل کردن حدود الهی؛

د) اختصاص دادن بیت المال به خود؛

ه) حلال کردن حرام خدا و بالعکس.

## اهداف قیام در زیارت امام

در زیارت امام حسین، شهادت می‌دهیم که او احکام الهی و سنت پیامبر و امیرالمؤمنین را بر پا کرده است:

اشهد انک قد حللت حلال الله وحرمت حرام الله واقمت الصلاة واتیت الزکاة وامرت بالمعروف ونهیت عن المنکر ودعوت الی سبیلک بالحکمة والموعظة الحسنه؛



## ادامه اهداف قیام در زیارت امام

شهادت می‌دهم که تو حلال خدا را حلال، و حرام خدا را حرام کردی و نماز را به پا داشتی و زکات دادی و امر به معروف و نهی از منکر کردی و (مسلمانان را) با پند و اندرز نیکو، به راه و روش خود فراخواندی». همچنین می‌گوییم: اشهد انک قد امرت بالقسط و العدل و دعوت الیهما؛

«شهادت می‌دهم که تو به عدل و داد امر کردی (مسلمانان را) به سوی این دو دعوت نمودی»

آن حضرت در جای دیگری نیز فرموده است: لا والله لا اعطیکم بیدی اعطاء الذلیل ولا افر فرار العبید؛ (طبری، و به پیروی از او ابن کثیر، فراز دوم این جمله را چنین نوشته‌اند: ولا اقر اقرار العبید: «من همانند بردگان، اقرار (به مشروعیت حکومت یزید) نمی‌کنم)

به خدا سوگند، من دستم را (به نشانه بیعت) همانند شخص خوار به آنان (پیروان یزید) نمی‌دهم و همانند بردگان، فرار نمی‌کنم».

و باز فرمود: موت فی عز خیر من حیاة فی ذل:

«مرگ در عزت، بهتر از زندگی در ذلت است».

از مجموع این سخنان، این اهداف را می‌توان استفاده کرد:

الف) ترویج حق و عمل به آن؛

ب) نهی از ترویج باطل و بازداشتن از عمل به آن؛

ج) نپذیرفتن زندگی ذلت بار و ننگین دنیا، و انتخاب زندگی با سعادت آخرت.

## هدف قیام از زبان امام صادق (علیه السلام)

امام صادق (علیه السلام) در زیارت اربعین، هدف از نهضت حسینی را چنین بیان می‌فرماید: و بذل مهجته فیک لیستنقد عبادک من الجهالة و حیره الضلالة؛

(همچنین قریب به این عبارات، در «زیارت امام حسین در روز عید فطر و قربان» آمده است.) «حسین بن علی (علیهما السلام) جان خویش را در راه تو (خدا) فدا کرد تا بندگان را از بی خبری و سرگردانی گمراهی نجات دهد». از دیدگاه امام ششم، سیدالشهدا (علیه السلام) با نهضت عاشورا، اهداف زیر را تعقیب می‌کرد:

الف) نجات مسلمانان از بی خبری نسبت به احکام دین و وظایفشان در برابر پروردگار؛

ب) رهایی بندگان خدا از گمراهی، با آگاه کردن آنان به لزوم پیروی از رهبران واقعی دین.

## در تبیین اهداف قیام

با اندکی دقت در اهداف استخراج شده از این بیانات، ملاحظه می‌شود که امام حسین (علیه السلام) علت و انگیزه قیام خویش را، مبارزه







## ادامه در تدبیر اهداف قیام

با منکرات فراوان در جامعه اسلامی و تبلیغ و ترویج معروف در بین مسلمانان، اعلام می کند.

بنابراین فلسفه اصلی و نهایی نهضت حضرت را می توان در یک هدف جامع و کلی، یعنی «احیای فرهنگ اسلام اصیل و ناب محمدی و زدودن زنگارهای تحریف و بدعت از دین جدشان» خلاصه کرد. البته حضرت، راهکار و ابزار لازم برای عملی کردن این هدف را، در عنصر «امر به معروف و نهی از منکر» می داند. از این رو در وصیت نامه خود به محمد بن حنفیه می نویسد: اربید ان امر بالمعروف و انهی عن المنکر و چنان که گذشت، در زیارتنامه های مربوط به آن حضرت آمده است: ... و امرت بالمعروف و نهیت عن المنکر.

اگر امام حسین علت حرکت خویش را مبارزه با اموری همچون رواج بدعتها، مخالفت با کتاب خدا و حلال و حرام الهی، نابودی سنت پیامبر، شیطان محوری و ترک خدامحوری، فساد، ظلم، بی عدالتی و ناامنی در جامعه اسلامی، تعطیلی حدود الهی، و در انحصار گرفتن و تاراج بیت المال مسلمانان می دانست، تمام این امور حاکی از فراوانی و شیوع امری به نام «منکر در جامعه اسلامی بود، که آن حضرت، خود را موظف به نهی از آن می دانست.

همچنین اگر اباعبدالله جامعه اسلامی را به اموری از قبیل عمل به کتاب خدا و سنت پیامبر، احیای مظاهر و نشانه های حق، ایجاد امنیت، و اصلاح و بهبودی امور امت فرامی خواند، این مسئله نشانگر آن است که امری به نام «معروف» در جامعه از بین رفته، یا دست کم در حال نابودی بوده است. از این رو اگر امام، از بیعت با یزید امتناع کرد و با این عمل، از یک سو، آمادگی خود را برای شهادت و مقاومت در برابر حکومت یزید اعلام نمود، و از سوی دیگر، تلاش خود را برای برانداختن حکومت یزید و تاسیس حکومت اسلامی به کار گرفت.

در واقع سر باز زدن از بیعت، به معنای نهی از منکر، ترویج معروف و اتمام حجت با مسلمانان درباره حرمت سکوت در برابر بدعتها و جنایات بنی امیه بود؛ چنان که بیعت یا حتی سکوت در مقابل چنین حکومتی، افزون بر آنکه ترویج منکر و مبارزه با معروف بود، عذر و بهانه ای نیز برای افراد عادی در همکاری با حاکمان اموی می شد.

به دیگر سخن، آنچه در سیره حسین بن علی (علیه السلام) به منزله امام معصوم، مسلم و تردیدناپذیر به نظر می رسد، آن است که شخصیتی همانند وی حاضر نبود با شخصی همچون یزید بیعت کند و حکومت او را به رسمیت بشناسد؛ چرا که حضرت با مشاهده و بررسی عمیق انحرافات امت اسلامی در عصر حکومت معاویه و سپس حکومت یزید، به



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وَمَا لَكُمْ لِمَا كَفَرْتُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا آلَ إِبْرَاهِيمَ أَوْلِيَاءَ لَوْ كَانُوا آلَ اللَّهِ لَجَعَلَهُمْ آيَاتٍ لِلْعَالَمِينَ

این نتیجه رسیده بود که دیگر نمی‌توان با موعظه و خطبه‌های آتشین و سخنرانی‌های تهدیدآمیز و تحریک‌کننده، انحرافی را که در مبانی اعتقادی و سیاسی جامعه اسلامی و نیز در دستگاه خلافت رسوخ کرده بود، از بین برد. پس تنها راه درمان و نجات امت اسلامی در نظر امام، برپایی یک نهضت فراگیر بود که بازتاب و گستره آن، افزون بر آنکه فرامکانی باشد، فرازمانی نیز بوده، در گستره زمان، الگویی برای آزادمردان تاریخ باشد.

إِنَّمَا مَصْحَابُ اللَّهِ هَدَىٰ سُبُلَ الْبَنِي إِسْرَائِيلَ

وَمَا لَكُمْ لِمَا كَفَرْتُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا آلَ إِبْرَاهِيمَ أَوْلِيَاءَ لَوْ كَانُوا آلَ اللَّهِ لَجَعَلَهُمْ آيَاتٍ لِلْعَالَمِينَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امور فرهنگی و دینی  
شرکت آبفا هواز